

ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی برای متامدرنیسم

مصطفی زبان‌دان*

محمدحسن میرزامحمدی**، محسن فرمهینی‌فراهانی***

چکیده

در این پژوهش، محقق با هدف ارائه مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی برای متامدرنیسم از روش تحقیق ترکیبی مشتمل بر روش اسنادی، تحلیل مفهومی از نوع تفسیر مفهوم و روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده بهره‌برده است به گونه‌ای که ابتدا با به کارگیری روش پژوهش اسنادی، ضمن گردآوری و انسجام نظریات اخلاقی صاحب‌نظران متامدرنیسم، به واسطه روش پژوهش تحلیل مفهومی از نوع تفسیر مفهوم به تبیین و تعریف متامدرنیسم و اخلاق در متامدرنیسم پرداخته است. همچنین، کاربرد روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده، تدوین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی متامدرنیسم را در پی داشته است. بنابراین، از ایجاد تحرک جهت عبور از اخلاق پست مدرنیستی به سوی اخلاق متامدرنیستی به عنوان هدف‌گانی اخلاق در متامدرنیسم، یاد شده است که علاوه بر هفت هدف واسطی، شامل هشت اصل و سه روش اخلاقی هم می‌باشد. مولفه‌هایی همچون بازگشت به جنبش‌های گذشته، صداقت جدید، اصالت، محبت و مراقبت، فروپاشی فاصله‌ها، سلسله‌مراتب، فرآیند "گویی" و روایت‌های بزرگ به عنوان اصول اخلاقی متامدرنیسم مطرح شده است.

* دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)، zabandan.edu@gmail.com

** استاد علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، mirzamohammadi@shahed.ac.ir

*** دانشیار علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، farmahinifar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰



همچنین، از تلفیق و ترکیب، معادله هردو - هیچکدام، و معادله هردو - و... به عنوان روش‌های اخلاقی متامدرنیسم نام برده شده است.

کلیدواژه‌ها: متامدرنیسم، اخلاق، صداقت جدید، اصالت، ارزش‌شناسی.

۱. مقدمه

هنگامی که در دهه ۹۰ میلادی پست‌مدرنیسم که خود نقطه‌ی پایانی بر صورت‌های متنوع مدرنیسم بود به انتهای مسیر خود رسید و بر بستر مرگ آرام‌گرفت، اندیشمندان زیادی بر نعلش او فاتحه خواندند و بر سر ادامه‌ی تاریخ با صورت‌هایی از فلسفه‌های فرهنگی مدرن پا به رقابت در عرصه‌ی جهان بدون پست‌مدرن نهادند. اندیشمندانی که خود، تربیت یافته‌ی مکتب پست‌مدرن بودند، دیگر میلی برای ادامه‌ی آموخته‌های پست‌مدرنی خود نداشتند، چراکه فرهنگ نقطه‌ی پایان، بر مولفه‌های مدرنیسم افول کرده بود (Apolloni Ag). وقتی که ساختار کاخ‌های مدرن جهان، زیر فشار کنایه و زخم‌زبان پست‌مدرن، به خانه‌ی عنکبوتان مبدل شد، از نحوست آن، چنان وقایع بلاخیزی ظهور کرد که از هیبت و هولناکی آن، شمشیر زبان پست‌مدرن، در نیام دهان غلاف شد. سکوتی که بر فضای پست‌مدرن در تقابل با این حوادث عارض گشت، اگرچه نقطه‌ی پایانی بر زندگی پست‌مدرن شد، اما عرصه را برای خودنمایی رقیبان فرصت طلب مهیا نمود. رقیبانی که با القاب مختوم به مدرنیسم، همگی در بزرگداشت جد بزرگ خود، گوش‌ها را بر پندهای او گشوده بودند، تا شاید بازنگری تجربیات قدیم او، آستن گفتمانی پر هیاهو در شکستن سکوت پست‌مدرن باشد.

گوش فرهنگ جهانی در هزاره سوم، برای بازگشایی بن بست‌های جهانی پست‌مدرنیسم از چهره‌هایی مصمم، با القابی چون *Altermodernism*، *Hypermodernism*، *digi(tal)modernism*، *Metamodernism*، و غیره... صداهایی آشنا شنید. پژواکی از دلخوشی‌های عصر مدرنیسم، در سرخوشی انسان هزاره سوم، برای صعود به قله‌های صعب‌العبور پیشرفت پیچیده بود. در سال ۲۰۱۰، آوازه‌ی متامدرنیسم به عنوان یک احساس در نوسان بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، توسط تیموتئوس ورمولن و ون‌دن آکر به گوش جوامع علمی جهان رسید (Vermeulen, van den Akker, 2010). گویا اظهار نظر ورمولن و آکر، همچون کلیدی شد که اندیشمندان مختلف سعی کردند با تغییر شکل زبانه‌های مختلف آن، قفل‌های متنوع بسته شده‌ی دوران پست‌مدرنیسم را بگشایند. بنابراین، متامدرنیسم، ابتدا عرصه‌های هنر، ادبیات داستانی و حتی فیلم‌های سینمایی،

موسیقی و مد را تحت تاثیر خود قرار داد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۲، استورگیل سیمپسون (Sturgill Simpson)، آهنگ‌های متامدرن مشهور خود را در موسیقی کانتری (Country) منتشر کرد و یا روزنامه‌نگاران در نشریاتی مانند نیویورک تایمز در گزارش‌های خود، در مورد روندهای اجتماعی معاصر، از مفهوم متامدرنیسم استفاده کرده‌اند (Greg Dember, 2012).

بنابراین، با توجه به مباحث ذکر شده، اگرچه تیموتئوس ورمولن به عنوان استاد رسانه، فرهنگ و جامعه در دانشگاه اسلو، متامدرنیسم را چندان فلسفی نمی‌دانست تا دارای هستی‌شناسی بسته‌ای باشد (potter, cher, 2012:215)، اما از آنجا که نوسان متامدرنیسم بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در چرخش است، ناگزیر دارای یک استعداد فلسفی برای تشکیل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مخصوص به خود است. از این رو متامدرنیسم به مفاهیم متنوع‌تری چون اخلاق و سیاست هم، ورود کرده است که با کمی جستجو می‌توان مقالاتی در امر اخلاق متامدرن به دست آورد. به عنوان نمونه در پژوهشی تحت عنوان متامدرنیسم و اخلاق، به نحوه جهان‌شمولی اخلاق در مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و متامدرنیسم پرداخته شده است (Troy Camplin, 2021). همچنین، در مقاله دیگری، رویکرد متامدرنیسم به اخلاق، در برابر رویکرد آزادی خواهانه به اخلاق، به بحث کشیده شده است تا رویکرد اخلاقی متامدرنیسم و چگونگی پیش‌گیری این رویکرد از کشیده شدن جامعه به سمت یک اجتماع استبدادی شرح داده شود. (Jordan Peterson, 2018). علاوه بر این، تجربه‌ی ورود اخلاق پست‌مدرن به کشورهای منطقه از جمله ایران و ظهور بحران‌های اخلاقی ناشی از این منطق فرهنگی، عدم آمادگی این کشورها را در برخورد و تقابل با این رویکرد اخلاقی، هویدا کرده است. بنابراین، برای جلوگیری از تجربه‌ای مشابه، باید بر این رویکرد فرهنگی و اخلاقی جدید، تسلط پیدا کرد تا نحوه تعامل و تقابل با آن مشخص شود. اکنون می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به نکات و نمونه‌های ذکر شده، در ورود متامدرنیسم به عرصه‌های مختلف و پرداختن و اهمیت قائل شدن محققان کنونی جهان به رویکردهای اخلاقی متامدرنیسم، ضرورت پرداختن به تبیین اخلاقی متامدرنیسم برای ارائه مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها آشکار می‌گردد. از طرف دیگر، نتایج تحقیق اسنادی صورت گرفته، در مورد مقالات و فضای علمی داخلی نشانگر آن است که پژوهش در مورد عرصه‌های مختلف متامدرنیسم هنوز در داخل محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی کشور، رونق پیدا نکرده است و جز دو مصاحبه در معرفی کلی متامدرنیسم و یک پایان‌نامه در بررسی رمان متامدرنیستی چیزی ثبت نشده است. همچنین با توجه به مطالعات اسنادی صورت گرفته، توسط محقق و اثبات گسترش مفهوم متامدرنیسم

مشخص شد که تا کنون هیچ تحقیق و پژوهشی در جهت تبیین اخلاق در تمامدینیسیم به منظور ارائه مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی برای تمامدینیسیم، چه در محافل علمی داخلی و چه در محافل علمی جهانی صورت نگرفته است. لذا محقق، با در نظر گرفتن این نتایج، ارائه مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی برای تمامدینیسیم را به عنوان مسأله‌ی تحقیق برگزیده است. با این توصیف، مقاله‌ی حاضر با روش پژوهش ترکیبی اسنادی، تحلیل مفهومی از نوع تفسیر مفهوم و استنتاجی از نوع پیش‌رونده، به دنبال پاسخگویی به سئوالات دوگانه چگونگی تبیین اخلاق در تمامدینیسیم و چگونگی استنتاج مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها برای اخلاق در تمامدینیسیم می‌باشد.

۲. روش پژوهش

در این پژوهش برای پاسخ به سوال اول از روش تحقیق ترکیبی اسنادی و تحلیل مفهومی از نوع تفسیر مفهوم استفاده شده است به گونه‌ای که با تکیه بر روش تحقیق اسنادی و جمع‌آوری نظریات اندیشمندان در مورد اخلاق تمامدینستی به واسطه‌ی روش تحقیق تحلیل مفهوم، به تبیین و تعریف اصطلاحات به کاررفته در تمامدینیسیم و اخلاق تمامدینیسیم شامل مبانی فلسفی، مبانی اخلاقی، اهداف اخلاقی، اصول اخلاقی، روش‌های اخلاقی و ... پرداخته شده است. برای پاسخ به سوال دوم، در پژوهش مذکور از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده استفاده شده است. پیش‌فرض اساسی این رویکرد، رابطه منطقی و ضروری میان دیدگاه‌های بنیادین وجودشناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی هر مکتب با مواضع و دیدگاه‌های اخلاقی مأخوذ و مستتج از آن است.

۳. یافته‌ها

۱.۳ اخلاق در تمامدینیسیم را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

"تمامدینیسیم" مجموعه‌ای از تحولات در فلسفه، زیبایی‌شناسی و فرهنگ است که از پسامدینیسیم منتج می‌شود و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. بنا به یک تعریف، تمامدینیسیم، وضعیتی میان‌مدینیسیم و پسامدینیسیم است. در سال ۲۰۱۰، تئوریسین‌های فرهنگی، تیموتئوس ورمولن و رابین ون دن آکر، تمامدینیسیم را به عنوان مداخله‌ای در پسامدینیسیم مطرح کردند. استفاده از پیشوند "متا" در عنوان تمامدینیسیم، از "متاکسیز" افلاطون نشأت

ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی ... (مصطفی زبان‌دان و دیگران) ۵

می‌گیرد که اشاره به توصیف وضعیت درونی انسان است و نوسان و هم‌زمانی را بین قطب‌های مخالف، متضاد و فراتر از آن بیان می‌کند (Azarm, 1398). نقطه‌شروع برای متامدرنیسم، از نظر تاریخی به اوایل سال ۱۹۷۵ برمی‌گردد، زمانی که مسعود زوارزاده از آن، برای توصیف خوشه‌ای از زیبایی‌شناسی یا نگرش‌هایی که از اواسط دهه ۵۰ در روایت‌های ادبیات آمریکا ظهور کرده بود، استفاده کرد. (Zavarzadeh, 1975:69-83).

- مبانی فلسفی متامدرنیسم

۱. هستی‌شناسی (Ontology)

متامدرنیسم در مبحث هستی‌شناسی، از معادله‌ی هردو - هیچ‌کدام، جهت مفهوم سازی استفاده می‌کند. به این معنی که متامدرنیسم همزمان، می‌تواند مدرن و پست‌مدرن محسوب شود و یا حتی می‌تواند شامل هیچ‌کدام از این دو رویکرد نباشد و صورتی جدید به خود بگیرد (Vermeulen, van den Akker, 2010). به عبارت دیگر، متامدرنیسم با خصیصه‌ی نوسان هستی‌شناختی بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در نظر گرفته می‌شود و این به معنای تعادل بین این قطب‌ها نیست. بلکه همچون یک نوسان مستمر آونگ است که به صورت مذاکره‌ی بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم آشکار می‌شود. از نظر آنان، در هستی‌شناسی متامدرنیسم، ما در واقعیت به شکلی مداوم بین مدرن و پست‌مدرن در نوسان هستیم. بنابراین واقعیت بین حالت پویا و ایستا، بین اشتیاق و کنایه، بین بی تفاوتی و همدلی و بین امید و ناامیدی و ... در نوسان است (Vermeulen, van den Akker, 2010).

۲. معرفت‌شناسی (Epistemology)

متامدرنیسم در معرفت‌شناسی با مدرن و پست‌مدرن همراهی می‌کند ولی از رویکرد "گویی" بهره می‌برد به گونه‌ای که جهان زندگی ما را هم عینی و هم غیرعینی، قابل مشاهده، ساخته شده، اجتماعی، پویا، پیچیده، قابل تغییر، ایستا، ساختاریافته، سلسله‌مراتبی، مرتبط، در حال تحول، تصادفی و خودسازمان دهنده، در نظر می‌گیرد (Van den Akker et al., 2017).

۳. ارزش‌شناسی (Axiology)

۱. خانواده‌ای از ارزش‌ها

در حیطه ارزش‌شناسی می‌توان گفت که متامدرنیسم شامل خانواده‌ای از ارزش‌های مدرن، پست‌مدرن و سنت است. به‌گونه‌ای که شامل ارزش‌هایی مطابق با چالش‌های زمانه می‌شود تا قادر شود برای آن‌ها راه‌حلی پیدا کند. به عبارت دیگر، ارزش‌های متامدرنیستی باید با سه چالش قرن بیست‌ویکم یعنی پایداری، نابرابری و بیگانگی، مطابقت داشته‌باشد (Hanzi Freinach, 2017). همچنین، ارزش‌شناسی متامدرنیسم شامل وجود لایه‌ای از ارزش‌هاست که از ترکیب و اختلاط مجدد به خانواده‌ای از ترکیبات مختلف تبدیل می‌شود (Hanzi Freinach, 2019).

۲. کثرت و توسعه

کثرت و توسعه، تحت عنوان ارزش‌های جامعه‌ی اینترنتی، از ارزش‌های متامدرن محسوب می‌شوند که علاوه بر نگاه از منظرهای مختلف، تا حد امکان به جمع‌آوری دیدگاه‌ها می‌پردازند و نسبت به دیدگاه همه افراد، در منظرهای مختلف، همبستگی ایجاد می‌کنند و این حرکتی به سمت پیشرفت است. بنابراین، ارزش‌های متامدرن از نظر هانزی فریناخت، شامل سه ارزش دیدگاه‌گرایی چندگانه (multi-perspectivalism)، توسعه‌گرایی (developmentalism) و عدم قضاوت (non-judgement) است (Hanzi Freinach, 2017).

۳. رشد و توسعه‌ی مرحله‌ای

در حالیکه پست‌مدرنیست‌ها در نتیجه نقد و تخریب گسترده، به واسطه‌ی ارزش‌های پست‌مدرنیستی، سیستم‌سازی را با ظلم و ستم مترادف می‌بینند، متامدرنیست‌ها برای رشد و توسعه‌ی مرحله‌ای، ارزش‌فائل می‌شوند (Hanzi Freinach, 2019).

۴. بازسازی و مقایسه

در متامدرنیسم بعد از ساختارشکنی، باید به بازسازی پرداخته‌شود و همچنین، از کثرت دیدگاه‌ها به غیر از نام‌بردن و توصیف‌آنها، باید به مقایسه‌ی آن‌ها با هم پرداخته‌شود تا مشخص شود که آیا طبق روال همیشگی و وجود تفاوت‌های رشدی، باتوجه به فضای فرهنگی موجود، ارزش‌های این دیدگاه، غیر منطقی جلوه می‌کند و به واسطه‌ی فشار واردشده، تخریب می‌شود و به فرهنگ دیگری تبدیل می‌شود؟ (Hanzi Freinach, 2019).

ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی ... (مصطفی زبان‌دان و دیگران) ۷

به عنوان مثال، هانزی فریناخ در کتاب جامعه‌ی شنوا بیان می‌کند که انسان‌ها به این دلیل از اعتقادات شرک‌آلود، به سمت جهان‌بینی توحیدی، اسطوره‌ای - روشنفکری سیر می‌کنند که ابتدا فهم و درک وجود یک حقیقت عالی، آنها را به این نتیجه می‌رساند که فقط یک حقیقت عالی، می‌تواند وجود داشته باشد. به گونه‌ای که این حقیقت عالی، آنها را به سمت باور به خداوند به عنوان بالاترین حقیقت اخلاقی می‌برد. ولی همین انسان، ابتدا با انقلاب علمی و سپس با روشنگری تحت عنوان مدرنیته، سرچشمه‌گیری اعتقاد به آن حقیقت جهانی را به دلیل عدم اعتقاد به مکاشفه خاص فردی، رد می‌کند و از توان تایید و بررسی آن حقیقت توسط همه مردم سخن به میان می‌آورد (Hanzi Freinach, 2017). بنابراین، چیزی به جز این، نمی‌تواند بالاترین، حقیقت محسوب شود و این باعث تخریب اعتقادات مرحله قبل می‌شود.

این نوع تفکر در سیستم‌های ارزشی پست‌مدرن، چندان رایج نیست ولی متامدرنیست‌ها از کثرت این دیدگاه‌ها به مقایسه‌ی آنها و دیدن مسیر رشد و توسعه‌ی آنها می‌پردازند. در نتیجه‌ی این توسعه‌ی مرحله‌ای، حس تنفر از دیدگاه‌های دیگر، به معیارهایی هم‌ردیف وزن، قد یا هوش یک فرد تبدیل می‌شود تا به این وسیله بتوان آن را مورد محاسبه و اندازه‌گیری قرارداد، چراکه یک توسعه‌ی روانی و فرهنگی پدیدار شده است که تکامل فرهنگ‌ها و مغزها را به همراه داشته است.

۵. صداقت آشکار

ظهور اخلاقیات روزمره، یعنی سیستم اخلاقی اصیل، صداقت آشکار و پاکی از ویژگی‌های بارز متامدرنیسم است. اخلاقی که در آن امر کلی با امر معمولی ترکیب می‌شود و صداقت واقعی بر امر عمومی، برتری پیدا می‌کند. همچنین، مدیریت ساختارهای اخلاقی از ایده‌های متافیزیکی الزام جهان بالا نیست. بلکه از معنای وجود در جهان پایین به عنوان یک ارزش جهانی و به عنوان شکلی از فهم خارج از خطی بودن زمانی است (O, Shabanova, 2020)

۶. فروپاشی فاصله‌ها

متامدرنیسم به دنبال فروپاشی فاصله‌ها، به ویژه فاصله بین چیزهایی است که به نظر می‌رسد متضاد هستند، برای بازآفرینی یک حس تمامیت که به ما امکان می‌دهد - به معنای عامیانه - از محیط خود فراتر برویم و با هدف ایجاد تغییر مثبت در جوامع خود و جهان پیش برویم (Abramson, S. 2015).

۷. ضد بیگانگی

از نظر فلیپ دامیکو "متامدرنیسم مبارزه با تأثیرات فرهنگی اندیشه‌ی پست‌مدرن بر تعاملات اجتماعی، تلاش‌های هنری و فرآیندهای فکری ما است. این شامل از بین بردن بیگانگی از جامعه می‌شود که بسیاری از ما به طور روزانه، در نتیجه این ارزش‌های پست‌مدرن از آن رنج می‌بریم." (Philip Damico, 2017).

۸. تناسب با طبیعت قطبی انسان‌ها

متامدرنیسم به طبیعت قطبی انسان‌ها اشاره دارد. بر این اساس، شک بدون امید نمی‌تواند وجود داشته باشد و همچنین، شکست هم بدون تجربه وجود ندارد. زندگی می‌تواند احساسات و بی‌علاقگی، صداقت و کنایه، هیجان و مالیخولیا را به همراه داشته باشد. به گفته نظریه پردازان فرهنگی تیموتوس ورمولن و رابین وندن آکر، متامدرنیسم را می‌توان به عنوان نوعی ساده لوحی آگاهانه، یک ایده‌آلیسم عمل‌گرایانه در نظر گرفت (Visakan Veerasamy, N.d).

- جهان‌بینی (Worldview)

جهان‌بینی متامدرنیسم، نظام‌های اجتماعی را به صورت ترکیبی از دیدگاه‌های مدرن و پست‌مدرن در نظر می‌گیرد ولی در عین حال، شبیه هیچ کدام نیست (de klerk, Eugene Louis, 2022). همچنین، هانزی فریناخت (۲۰۱۷) با در نظر گرفتن «متامیم» به عنوان واقعیت اجتماعی معتقد است که متامیم‌ها الگوهای بزرگ‌تری هستند که با ساختار دادن به میم‌های دیگر به واقعیت اجتماعی ما ساختار می‌بخشند. از نظر او میم‌ها شامل هر چیزی از قبیل قوانین، فلسفه، هنر، زبان، هنجارها و ارزش‌ها می‌باشند که در واقعیت اجتماعی وجود دارند. از دیدگاه این جهان‌بینی نظام‌های اجتماعی هم به عنوان ابژه‌های طبیعی و هم به عنوان ساختارهای احساسی در نظر گرفته می‌شوند که هر دو و هیچ‌یک از جنبه‌های آن‌را نمی‌توان بنیادی دانست و در نهایت به یک دیگر منتهی و تعیین کننده یکدیگر می‌شوند. از نظر هانزی فریناخت (۲۰۱۷) و شابانوورا (۲۰۲۰) جهان‌بینی متامدرنیسم، بین سیستم‌های اجتماعی، طبیعت و فرهنگ، هیچ تمایزی قائل نمی‌شود. جهان‌بینی متامدرن، زندگی ما را در مراحل مختلف رشد، در عصر اطلاعات و تکامل سیستم‌های اجتماعی انسانی می‌پذیرد. در جهان‌بینی متامدرن، فناوری به عنوان یک رسانه خنثی تلقی نمی‌شود زیرا فناوری هم شکل دهنده افراد و هم شکل گیرنده توسط

افراد در سیستم‌های اجتماعی محسوب می‌شود. از نظر آنها، در جهان‌بینی متامدرن، محیط طبیعی و سیستم‌های اجتماعی، توسط فناوری دگرگون شده است به‌گونه‌ای که نمی‌تواند به راحتی در شرایط علی کنش انسانی، درک شود. براین اساس، در جهان‌بینی متامدرن، از نظر فریناخت (۲۰۱۷) توسعه سیستم‌های اجتماعی، توسط گونه‌ای پویایی غیر خطی هدایت می‌شود که از منطقی ناشی می‌شود که با انگیزه‌ها و فعالیت‌های شرکت‌کنندگان در سیستم اجتماعی تناسب ندارد. بنابراین، در جهان‌بینی متامدرن، اطلاعات در مورد سیستم‌های اجتماعی، توسط ما در یک داستان متامدرن ترکیب می‌شود؛ با وجودی که از عدم تکامل این داستان، درباره واقعیت آگاه هستیم. بنابراین متامدرنیسم، از یک جهان‌بینی معتدل‌تر برخوردار است، که هم خوش بینی مدرنیسم و هم کثرت‌گرایی پست‌مدرن را شامل می‌شود (Visakan Veerasamy, N.d).

- انسان در متامدرنیسم

دومیترسکو (Dmitrescu)، در مقاله خود (۲۰۱۶)، با بیان ویژگی‌های هریت والاس (Harriet Wallac)، به عنوان یک متامدرنیست، در واقع می‌کوشد که ویژگی‌های انسان متامدرن را بیان کند. طبق ویژگی‌هایی که برای هریت والاس ذکر می‌کند یک متامدرنیست، از تفکر در مورد پرسش‌های بزرگ - معرفت‌شناختی (چه می‌توانم بدانم؟) و هستی‌شناختی (آیا خدایی وجود دارد؟) - هراسی ندارد و پاسخ‌های خود را، حتی به صورت جزئی، آزمایشی یا موقت ارائه می‌کند. یک متامدرنیست بین فضای ناامیدی پست‌مدرن و اشتیاق مدرنیستی غوطه‌ور می‌شود تا نشان‌دهد که حس حضور و احساس ارتباط را می‌توان تجربه کرد؛ حتی اگر گذر زمان بر آن سایه افکنده باشد. مشخصه‌ی یک متامدرنیست، شامل عبور از مرزهای بین فرقه‌ای مذهبی، جزییات اجتماعی و طبقات، سیستم‌ها و سلسله مراتب می‌شود ولی تسلیم ریشه‌کنی مدرنیستی یا زلزله پست‌مدرن نمی‌شود (Dumitrescu, 2016). متامدرنیست، کسی است که بهترین‌ها را در سراسر دنیا برای ساختن نظام اعتقادی خود انتخاب می‌کند تا ارزش‌های خود را با تلفیق و ترکیبی متامدرن بسازد. همچنین، ریشه‌های نظام ارزشی پذیرفته‌شده، با وضوح و صراحت توسط یک متامدرنیست، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا آنچه که برای او ارزشمند است، انتخاب شود. اما با این حال، انتخاب او یک عمل انحصاری عقلانی نیست، بلکه تجربه‌ی زیسته‌ای است که کل شخصیت و ذات او را در بر می‌گیرد. رابطه یک متامدرنیست با دیگری جای خود را به روابط با دیگران و با خود خواهد داد.

ارتباطات جدید با مردم به عنوان تجربیات ارائه دهنده معنا و لذت ابداع خواهد شد (Dumitrescu, 2016).

- اهمیت اخلاق در متامدرنیسم

رویکردهای بعد از پست‌مدرنیسم از نظر بیش، متفاوت به نظر می‌رسند اما در بررسی و تطبیق مفاهیم مطرح شده، مشخص می‌شود که این رویکردها دارای اشتراکاتی نیز هستند که منسجم‌ترین توافق مشترکشان مبحث اخلاق است. به‌عنوان نمونه، متامدرنیسم به واسطه‌ی ورمولن و آکر پیشنهاد می‌کند که «نسل‌های جدید هنرمندان به طور فزاینده‌ای احکام زیبایی‌شناختی ساختارشکنی، ارتباط بدون منطق و تقلید ادبی را به نفع مفاهیم زیبایی‌شناسی بازسازی، اسطوره و متاکسیس^۱ کنار می‌گذارند» (یادداشت‌ها: ۲). در اینجا، اخلاق با زیبایی‌شناسی، ترکیب می‌شود که بر این باور استوار است که «نوع بشر یا یک قوم بشری، واقعاً به سوی یک هدف طبیعی اما ناشناخته نمی‌روند، بلکه وانمود می‌کنند که این کار را انجام می‌دهند تا از نظر اخلاقی و همچنین از نظر سیاسی، پیشرفت کنند. (یادداشت‌ها: ۵) بر اساس متامدرنیسم، برای «پیشرفت» (باید ارزش‌های خود را به نمایش بگذاریم و آنها را در معرض بررسی و پالایش بیشتر قرار دهیم)؛ به این دلیل که ارزش‌های اخلاقی از دنیای اجتماعی جدایی‌ناپذیرند و هرگونه تلاشی برای از بین بردن آنها فقط «اخلاق را در حاشیه قرار می‌دهد» و در نتیجه عنصر بسیار تأثیرگذار جامعه و پویایی آن را پنهان می‌کند (Storm, 2021:238).

یکی از محققانی که اخلاق را به عنوان روش غالب متامدرنیسم مطرح کرد و متامدرنیسم را به لحاظ نظری پیش‌برد، شخصی به نام دومیترسکو (Balm) بود. علاوه بر این، آلیسون گیبون (Alison Giobbons)، پژوهشگر ادبیات و سبک‌شناسی، متامدرنیسم را «مربوط به اخلاق جهانی» و تعهدات اومانیستی در نظر گرفته است. او می‌نویسد که داستان متامدرن «توانایی بالابردن آگاهی و وجدان عموم مردم را دارد» (Linda C, Ceriello, 2018: 257). متامدرنیست‌ها با این باور، درصدد دست یافتن به تغییر و پیشرفت مثبت هستند و با تکیه بر چند دلیل در این امر مصمم هستند. آنها معتقدند که برخورداری از این باور، هرگز ضرری ندارد و می‌تواند مفید هم واقع شود و همچنین، برخورداری از چنین شیوه‌ی تفکری را موجب جلوگیری از ناامیدی شایع ناشی از پست‌مدرنیته می‌داند. متامدرنیست‌ها سود و منفعت جامعه را در باور به ایده توانایی دستیابی به پیشرفت

در نظر می‌گیرند. آنها معتقدند که از طریق تمرکز بر ایده هم‌پوشانی، بین دو نیروی متضاد می‌توان به بازی در میدان تمسخر یک‌دیگر پایان‌داد (Philip Damico, 2017). در کلامی دیگر، ست ابرامسون، در استفاده از متامدرنیسم، برای خروج از بن‌بست اخلاقی پست‌مدرنیسم، معتقد است که اگر پست‌مدرنیسم امکان فراروایت‌های شخصی، محلی، منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی را نفی می‌کرد، متامدرنیسم به ما این امکان را می‌دهد که به طور انتخابی و با چشم باز به چنین فراروایت‌هایی بازگردیم، زیرا به ما کمک می‌کنند تا خود را از کسالت، بی‌سامانی، ناامیدی، یا سکون اخلاقی، نجات‌دهیم (Seth Abramson, 2015). متامدرنیسم قادر است که عناصر فرهنگ بومی، پیشامدرن، مدرن و پست‌مدرن را در بر گیرد و هنجارهای اجتماعی و بافت اخلاقی جدیدی برای صمیمیت، معنویت، فردیت و تفکر پیچیده فراهم کند. این رویکرد ظرفیت حفاظت از فرهنگ‌ها و میراث فرهنگی ما را در مقابل جهانی شدن اقتصاد، اینترنت و فناوری‌های نمایشی دارد، چرا که این عوامل، باعث مختل شدن شیوه‌های فعلی سازمان اجتماعی و حکومت می‌شوند. در متامدرنیسم فرهنگ بومی می‌تواند نیاز ما را به توانایی چرخش برای حل انبوهی از مشکلات تأمین کند و ارتباط از دست رفته‌ی ما با طبیعت را برقرار کند. همچنین، فرهنگ پیشامدرن از طریق دین می‌تواند چارچوب‌های قوی وجودی ارائه کند.

فرهنگ مدرن همچون قبل می‌تواند ادامه دهنده‌ی آزادی انسان‌ها باشد و انسان را بیشتر از قبل برخوردار از علم، حقوق بشر، دموکراسی، رفاه و امنیت سازد و سرانجام تحلیل و نقد پست‌مدرن، ما را قادر ساخت تا ساختارهای پنهان قدرت را آشکار کنیم و به جز دیدگاه فرهنگ خودمان به دیدگاه‌های فرهنگ‌های دیگر هم پردازیم. ما به هم‌هی این موارد نیازمند هستیم و همچنین باید توانایی انتخاب درست هم داشته باشیم تا مصیبت‌های خطرناک زندگی آینده را تجربه نکنیم (Andersen Lene Rache, 2019).

- ویژگی‌های اخلاقی در متامدرنیسم

۱. حاکمیت اخلاق در متامدرنیسم

متامدرنیسم از نظر اخلاقی، بدبینی و کنایه‌ی پست‌مدرن را به چالش می‌کشد و نشان دهنده‌ی بازگشتی به جنبش‌ها و روندهای گذشته، مانند رمانتیسیسم است که بر صداقت تأکید داشت (Damico, Philip, 2017). همچنین، پارادایمی است که اخلاق بر آن حاکم است. این پارادایم اخلاقی با کنکاش در باره‌ی اصالت و تعریف

ریشه‌های هستی به گونه‌ای عمل می‌کند که بتواند از این طریق نفس تکه‌تکه شده را با معنایی جدید به صورت یک‌پیکر واحد درآورد و با ایجاد اخلاقی از محبت و مراقبت، جامعه را با از بین بردن تفاوت‌ها و فاصله‌ها به چالش بکشد (Dumitrescu, 2016).

۲. جهان شمولی

در بحث اخلاق اگرچه مدرنیسم جهانی بودن را قبول می‌کرد، و پست‌مدرنیسم، جهانی‌بودن را به نفع جوامع گفتمانی رد می‌کرد، ولی متامدرنیسم با اتکا به توان ما در به رسمیت شناختن یک سیستم اخلاقی متفاوت در یک فرهنگ دیگر، معتقد است که پایه‌ای برای اخلاق وجود دارد که به اندازه کافی باعث شباهت و ارتباط اخلاق ما با یکدیگر می‌شود. بنابراین، دلیل وجود این تفاوت‌ها، زندگی ما در جوامع گفتمانی مختلف است. به عنوان مثال جامعه‌شناسی متامدرنیستی، توضیحات روانشناسی تکاملی دینامیکی را معتبر می‌داند، زیرا توضیح می‌دهد که چگونه تنوع می‌تواند از یک طبیعت انسانی مشترک ناشی شود (Troy Camplin, 2020).

البته شایان ذکر است که جهان‌شمولی متامدرنیسم با جهان‌شمولی مدرنیسم، متفاوت است و نباید این دو را یکسان تلقی کرد. جهان‌گرایی مدرنیستی از هسته‌ی ثابتی برخوردار است به گونه‌ای که برای اخلاقی و انسانی‌تر بودن، همه باید به سمت آن هسته حرکت کنند؛ به این معنی که مدرنیسم جاذب ساده‌ای است که همه را به یک سمت می‌کشاند. ولی، جهان‌شمولی متامدرنیستی، دارای مرکز غایبی است که ما را به ایجاد جوامع گفتمانی ترغیب می‌کند که در آن تغییرات در یک الگوی پیچیده ظاهر می‌شوند.

متامدرنیسم دارای جاذبه‌ی عجیبی است که نوسانات نامنظم، تنوع و تفاوت بیشتر ایجاد می‌کند؛ اما در اطراف مرکزی که هرگز نمی‌توان به آن دست یافت و ظهور آن در بیرون از خود سیستم، قابل درک نیست. این حاکی از وجود یک تفاوت بزرگ بین این دو می‌باشد - تفاوتی که نمی‌توانست بدون نقد پست‌مدرن از مدرنیسم پدیدار شود (Troy Camplin, 2020). متامدرنیسم رد نسبی‌گرایی و بدبینی اخلاقی پست‌مدرن نیست، بلکه عبور و پیشرفتی از آن است (Damico, Philip, 2017).

۳. سلسله مراتبی

بازگشت سلسله مراتب از ویژگی‌های اساسی تفکر متامدرن است. سلسله مراتب در همه جا حضور دارد. یک هواپیما از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک ماشین است، یک دوچرخه از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک اسکیت‌بورد است. این سلسله مراتبی است که با توجه به پیچیدگی فیزیکی آن، تقریباً هیچ کس اعتبار آن را انکار نمی‌کند. ولی بسیاری از نسبی‌گرایان اخلاقی، همچون پست‌مدرنیست‌ها از ساختار شکنی سلسله‌مراتبی که اعتبار اخلاقی با آن سنجیده می‌شود، حمایت می‌کنند. با این وصف، پست‌مدرنیست‌ها نمی‌توانند نسبت به بهتر بودن عشق از نفرت یا صلح از نزاع تصمیمی اتخاذ کنند. بنابراین، هدف متامدرنیسم فعال کردن نقش سلسله مراتب اخلاقی است. زیرا با این سلسله‌مراتب می‌توان مشکلات ایجاد شده و غیر قابل حل از چشم‌انداز اخلاقی مسطح و یک‌نواخت پست‌مدرنیسم را برطرف کرد. چرا که ساختار شکنی اخلاقی، همچون یک دیوار آجری است که نه خود حرکت می‌کند و نه می‌توان چیزی را در آن حرکت داد (Damico, Philip, 2017). با احیای سلسله مراتب اخلاقی، بالاخره قادر می‌شویم از موانع تعیین شده، توسط پست‌مدرنیسم عبور کنیم؛ موانعی که از پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، شخصی و سیاسی جلوگیری کرده و کاری جز گیر انداختن ما در باتلاق انجام نداده است (Damico, Philip, 2017).

۴. احیای استفاده از روایت‌های بزرگ

پست‌مدرن به رد فرا روایت‌ها پرداخته است، از این رو اتخاذ موضع پست‌مدرنیستی در برابر پیروی کردن از یک کلان روایت برای حرکت به سمت اهداف مشترک نوظهور بشریت مضر و آسیب‌زا است. زیرا مقابله با بحران‌های جهانی آب و هوا و خطر انقراض، به این شیوه ممکن نیست، بنابراین باید از یک انتخاب متامدرن، سود جست تا به واسطه عملکرد آن بشریت در یک فرایند "گویی" احساس کند که می‌تواند با وجود طبیعت آشفته پست‌مدرنیسم به پیشرفت ادامه دهد و به نتایجی عالی برای داشتن جهانی بهتر، دست پیدا کند (J. Corsa, Andrew, 2018). بنابراین، ما باید از نظر اخلاقی به واسطه‌ی متامدرنیسم، برای غلبه و

رسیدگی کردن به انبوهی از بحران‌های جهانی و مسائل سیاسی اقدام کنیم (J. Corsa, Andrew, 2018).

ورمولن توضیح می‌دهد که برای نسل متامدرن، «روایت‌های بزرگ به اندازه‌ای که مشکل ساز هستند، ضروری هم هستند. بنابراین امید صرفاً چیزی در مقابل بی‌اعتمادی نیست و عشق لزوماً چیزی برای سرزنش نیست» (Visakan Veerasamy, N.d).

۵. تعلق به عصر اینترنت

در حالی که مدرنیسم به عصر رادیو تعلق داشت، پست‌مدرنیسم همراه عصر تلویزیون بود. ولی متامدرنیسم، وابسته به عصر اینترنت و فضای مجازی است (Visakan Veerasamy, N.d). بنابراین، در یک مقایسه‌ی مختصر، محقق بریتانیایی آلن کربی می‌گوید: «در شبه‌مدرنیسم، شخص تلفن می‌زند، کلیک می‌کند، فشار می‌دهد، گشت و گذار می‌کند، انتخاب می‌کند، حرکت می‌کند، دانلود می‌کند.» ولی در عوض، متامدرنیسم در مورد ارتباط، همدلی و اجتماع واقعی سخن می‌گوید. این در حالی است که مدرنیسم به ایجاد چیزی کاملاً جدید می‌پردازد، بدون درنگ را شامل می‌شود و متامدرنیسم در حالی که به زودگذر بودن ذاتی شرایط انسانی اذعان می‌کند به ایجاد چیزی جدید به وسیله آنچه قبلاً ایجاد شده است می‌پردازد. (Visakan Veerasamy, N.d).

۲.۳ بر اساس تبیین و تعریف اخلاق در متامدرنیسم چگونه می‌توان برای متامدرنیسم، مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی ارائه کرد؟

باتوجه به گرایش اخلاقی رویکردهای بعد از پست‌مدرن و طبق آنچه از ارزش‌شناسی متامدرنیسم به دست آمد، مشخص می‌شود که ساختار اخلاقی متامدرنیسم دارای دو رویکرد هنجاری و توصیفی است که می‌توان ساختار هنجاری آن را به رهبری هانزی فریناخت به دلیل شیوع در کشورهای شمال اروپا- به متامدرنیسم نوردیک یا کشورهای اسکاندیناوی موسوم کرد و همچنین می‌توان رویکرد توصیفی یا احساسی را به رهبری ورمولن و آکر- به دلیل اصالت هلندی ورمولن و آکر- به مکتب هلندی نسبت داد. مکتب نوردیک به رهبری هانزی فریناخت (۲۰۱۷)، به متامدرنیسم به عنوان نوعی فلسفه می‌نگرد که دارای مبانی فلسفی

است. ولی آکر و ورمولن (۲۰۱۰)، مکتب هلندی خود را چندان فلسفی در نظر نمی‌گیرند ولی در عمل، هم مبانی فلسفی برای رویکرد خود معرفی کرده‌اند و هم پیروان آن‌ها، همچون لوک ترنر (۲۰۱۱) و ست ابرامسون (۲۰۱۵) به ساختن مانیفست و اصول برای متامدرنیسم پرداخته‌اند و همچنین به استدلال نویسنده این پژوهش، نوسان متامدرنیسم بین سنت، مدرن و پست مدرن به متامدرنیسم وجهه‌ای فلسفی می‌دهد. به علاوه، نویسنده این پژوهش معتقد است همان‌گونه که نوسان باعث حفظ همه داشته‌های سنت و مدرن است، در این زمینه هم، نوسان می‌تواند عامل حفظ تمام رویکردهای متامدرنیسم باشد تا همه‌ی آنها را جهت ایجاد ساختار اخلاقی جدید، مورد استفاده قرار دهد.

بنابراین، محقق از بررسی اسنادی و تبیین اخلاق در متامدرنیسم، به این نتیجه می‌رسد که می‌توان برای اخلاق در متامدرنیسم با استفاده از روش استنتاجی، به ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها پرداخت. بنابراین در ابتدا به استنتاج این مولفه‌ها پرداخته می‌شود تا در ادامه در نموداری ترسیمی، این ساختار به تصویر کشده شود.

- مبانی اخلاق در متامدرنیسم:

باتوجه به بررسی اسنادی و تبیین صورت گرفته در مورد اخلاق در متامدرنیسم، می‌توان به شیوه‌ی استنتاج نتیجه گرفت که اخلاق متامدرنیستی بر سه مبنا استوار گردیده است. و بنابراین سایر عناصر اخلاق در متامدرنیسم بر این مبانی سه‌گانه استوار شده است. در نتیجه‌ی استنتاج صورت گرفته می‌توان این مبانی سه‌گانه را برای اخلاق در متامدرنیسم استخراج کرد:

۱. رویکردهای اخلاقی گذشته با اهمیت است، به این معنی که متامدرنیسم به دوران مختلف اخلاقی بشریت به چشم یک قطب نگاه می‌کند و از طریق نوسان بین قطب‌هایی که ایجاد می‌کند در واقع به احیا و استفاده‌ی مجدد از اخلاقیات دوران‌های مختلف بشر می‌پردازد. با این روش نوسانی به‌نوعی وحدت در عین کثیر بودن دست پیدا می‌کند (Vermeulen, van den Akker, 2010).

۲. محبت و مراقبت بر فضای اخلاقی متامدرنیسم حاکم است (Dumitrescu, 2016). در واقع متامدرنیسم به واسطه اخلاق محبت و مراقبت به وحدت و یکپارچگی جامعه می‌پردازد به این مفهوم که اخلاق محبت و مراقبت به مبنایی برای شکستن مرزهای طبقاتی جامعه تبدیل می‌شود تا انزوای اخلاقی پست‌مدرنیسم به چالش

کشیده شود. در واقع برای داشتن یک جامعه منسجم همه‌ی طبقات اجتماعی به اخلاق محبت و مراقبت به دیده‌ی یک وظیفه و ضرورت نگاه می‌کنند تا با کاستن از مشکلات جامعه همگی از اجتماع بهتری برخوردار باشند.

۳. اخلاق در متامدرنیسم به خروج از سکون اخلاقی امیدوار است.

تفکر "گویی"، خوش خیالی و این که انسان فرض کند به سمت هدفی اخلاقی در حرکت است عاملی برای تحرک انسان و کنکاش او در عین ناامیدی برای به دست آوردن آن هدف است (Vermeulen, van den Akker, 2010). اگرچه نسبت به عدم دسترسی به آن هدف، ناامید است اما اسیر بی‌انگیزگی پست‌مدرن نمی‌شود و با شوقی مدرنیستی به آرزوی رسیدن به یک چشم انداز اخلاقی به سعی و تلاش ادامه می‌دهد. این سعی و تلاش اگرچه آن هدف کلی را محقق نمی‌کند اما باعث سکون هم نمی‌شود یا حتی ممکن است به اهداف دیگری که در این تلاش و کوشش در نظر نداشته است، دست پیدا کند.

- هدف غائی

بعد از حاکمیت تفکر پست‌مدرنیسم، به دلیل ساختارزدایی و مرگ فراروایت‌ها، مشکلات عدیده‌ای برای بشریت جلوه‌گر شد که در تقابل با این مشکلات، پست‌مدرنیسم به انزوا مبتلا شد. به گونه‌ای که با توجه به موضعی که برای خود اتخاذ کرده بود، از غلبه بر مشکلات بزرگ پیش آمده، ناکام ماند. تبیین منطقی‌های فکری هزاره سوم از جمله متامدرنیسم، همگی نشان دهنده وحدت این نظریه‌ها در نقطه اشتراکی اخلاقی است (Andrew Frederick, Allen, 2018)، که سعی آنها شامل تغییر اخلاقیات پست‌مدرنیسم، به نوعی است که از سکون تحمیل شده پست‌مدرنیسم نجات یابند به همین دلیل، می‌توان هدف غائی متامدرنیسم در عرصه اخلاق را ایجاد تحرک، جهت عبور از اخلاق سکون محور پست‌مدرنیستی برای ورود به اخلاق پیشرفت محور متامدرنیستی محسوب کرد.

- اهداف واسطی

بعد از مشخص شدن هدف غایی متامدرنیسم در عرصه اخلاق، بررسی نظریات اندیشمندان این منطق فکری، گویای تشکیل اهدافی جزئی و واسطی برای تحقق هدف غایی اخلاق در متامدرنیسم است. این اهداف را می‌توان در هفت عنوان استخراج نمود.

۱. عبور از اخلاق تخریب محور پست‌مدرنیسم:

بررسی نظریات اندیشمندان تمامدرنیسم به این نتیجه منتهی می‌شود که بعد از ساختارزدایی باید به تشکیل ساختارهای جدید اقدام نمود (Hanzi Freinach, 2019)، تا بتوان در برخورد با مشکلات نو ظهور بشری، از انسجام و موضعی منظم برخوردار بود. عدم ساختارسازی مجدد، در برخورد با مشکلات به سپاهی بی نظم و پراکنده می‌ماند که قادر به تمرکز قوا جهت محقق کردن یک هدف نیست. بنابراین تمامدرنیست‌ها در زمینه‌ی اخلاقی به تشکیل ساختارهایی جدید اقدام می‌کنند به گونه‌ای که این ساختارها بتوانند از انتقادات پست‌مدرنیسم عبور کنند تا دارای موضعی اصولی و هدفمند در عرصه جهانی به نظر برسند. به این منظور تمامدرنیسم از ساختارهایی موقت و متنوع استفاده می‌کند تا علاوه بر ساختارگرایی در دام جزئیات و ساختارهای خشک و بی تحرک گرفتار نشود. بنابراین ساختارهای اخلاقی تمامدرنیسم، قابل تغییر و تجدید نظر خواهند بود.

۲. حفظ دوره‌های اخلاقی بشریت:

تمامدرنیست‌ها تمام دوره‌های اخلاقی حیات بشری را همچون یک جعبه آچار فرض می‌کنند که هر کدام در موضعی مفید و موثر هستند. بنابراین تمامدرنیسم به حفظ فلسفه‌های اخلاقی مختلف می‌پردازد (Dumitrescu, 2016)، و سعی می‌کند از دستاوردهای اخلاقی آنها در مواضع مختلف به صورتی موقت استفاده کند. این رویکرد تمامدرنیسم به حفظ دوره‌های اخلاقی بشریت منجر می‌شود به گونه‌ای که ساختار یک کل‌گرایی و یا وحدت دوره‌های اخلاقی مختلف بشری، به شکلی جدید نمایان می‌شود.

۳. ابداع مفاهیمی جدید از ساختارهای اخلاقی گذشته:

تمامدرنیست‌ها سعی می‌کنند با نگاهی جدید ساختارهای اخلاقی گذشته را به مفهومی جدید مربوط کنند به گونه‌ای که دلیلی برای حفظ آن ساختارها و کاربردهای آن پیدا کنند. به این منظور ممکن است دیدگاه دینی به یک ساختار را به دیدگاهی اقتصادی تغییر دهند تا در عمل فواید آن ساختار به نوع دیگری دیده شود. با این روش، علاوه بر حفظ ساختارهای قدیمی، مفاهیم جدیدی هم به آنها اضافه می‌کنند (Seth Abramson, 2015).

۴. حاکمیت رویکرد محبت و مراقبت بر کلیت اخلاق در متامدرنیسم:

تبیین نظریات دومیترسکو (۲۰۱۶) مشخص کننده رویکردی جدید برای انسجام و وحدت بخشیدن به عنوان یک کل به جامعه است. متامدرنیست ها برای از بین بردن انزوای حاصل از اخلاقیات پست مدرنیسم، سعی می کنند با گسترش چتر اخلاق محبت و مراقبت از دیگری، به نوعی برای خود جهانی بهتر بسازند. به این مفهوم که برخورداری از اخلاق محبت و مراقبت علاوه بر یاری کردن دیگران، در ساختن محیطی امن تر و بهتر برای خود هم مفید است. بنابراین در اخلاقیات متامدرنیسم، وجود طبقات و سلسله مراتب اجتماعی رد نمی شود بلکه از طریق اخلاق محبت و مراقبت به یکدیگر متصل می شوند. از این رو افرادی برخوردار از طبقات اجتماعی بالاتر با افراد طبقات پایین تر از طریق اخلاق محبت و مراقبت معاشرت می کنند.

۵. تقویت قدرت انتخاب و تصمیم گیری:

متامدرنیست ها برای رهایی از عارضه‌ی پست مدرنیستی که آن را به عدم قدرت در انتخاب و تصمیم گیری مبتلا کرده بود سعی می کنند (J. Corsa, Andrew, 2018)، به نوعی به تقویت اراده پردازند تا در موقعیت های مبهم بتوان به تصمیم گیری و انتخاب پرداخت. به این منظور سعی می کنند در موقعیت های اخلاقی متنوع به تصمیم گیری های موقتی پردازند به گونه ای که اگرچه سد عدم تصمیم گیری و انتخاب در پست مدرنیسم را شکسته اند ولی به طور دائم بر آن تصمیم و انتخاب باقی نمی مانند بلکه در شرایط مختلف به تصمیماتی جدید و انتخاب هایی متنوع اقدام می کنند.

۶. رشد و توسعه‌ی مرحله‌ای:

تبیین نظریات متامدرنیست ها نمایانگر این مفهوم است که آنها برای امور اخلاقی در جوامع مختلف، به نوعی طبقه بندی تاریخی و زمانی معتقد هستند (Hanzi Freinach, 2017)، تا به این شیوه از تحمیل اخلاقیات جلوگیری کنند. این امر به این قضاوت منجر می شود که جوامع از نظر اخلاقی نسبت به یکدیگر برتری کیفی ندارند بلکه از نظر توالی زمانی با هم متفاوت هستند به گونه ای که با گذشت زمان،

ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی ... (مصطفی زبان‌دان و دیگران) ۱۹

اخلاقیات جوامع هم تغییر می‌کند و دوره‌های طی شده توسط جوامع دیگر برای آنها هم طی می‌شود.

این احیای نقش سلسله‌مراتبی اخلاق، هم یکنواختی حاصل از اخلاقیات پست‌مدرن را از بین می‌برد و هم به قضاوت خوب و بد پایان می‌دهد چرا که اخلاقیات در جوامع مختلف به عنوان سیری زمانی دیده می‌شود که دیگران هم آن را طی کرده‌اند. این دیدگاه باعث نوعی اشتراک اخلاقی در جهان می‌شود که اگرچه بیانگر متفاوت بودن اخلاقیات است اما سلسله‌مراتبی بودن اخلاقیات، مبنایی مشترک برای اخلاقیات همه جوامع پدید می‌آورد به گونه‌ای که در هر جامعه با هر اخلاقی می‌توانیم ریشه‌هایی برای اشتراک اخلاقی پیدا کنیم.

۷. برخورداری از اخلاق سلسله‌مراتبی

هدف متامدرنیسم این است که به احیای نقش سلسله‌مراتب اخلاقی پردازد تا متامدرنیست‌ها را قادر کند که برای حل مسائل ایجاد شده از چشم انداز یکنواخت اخلاقی پست‌مدرنیسم اقدام کنند. به عنوان مثال ساختار شکنی اخلاقی در پست‌مدرنیسم همچون یک دیوار آجری است که نه خود حرکت می‌کند و نه می‌توان چیزی را در آن حرکت داد. بنابراین متامدرنیسم به بازسازی این ساختارهای تخریب شده می‌پردازد و مجدداً به احیای سلسله‌مراتب اخلاقی می‌پردازد تا بی تفاوتی و سکون پست‌مدرنیسم در موقعیت‌های اخلاقی مختلف را برای مهیا کردن مقدمات پیشرفت خنثی سازد (Damico, Philip, 2017).

- اصول

باتوجه به اهداف استخراج شده، برای اخلاق در متامدرنیسم، همچنین باتوجه به نظریات اخلاقی متامدرنیسم، می‌توان با استفاده از روش تحقیق استنتاجی، برای اخلاق در متامدرنیسم، اصول هشت‌گانه زیر را استخراج نمود:

۱. اصل بازگشت به جنبش‌های گذشته:

طبق این اصل، متامدرنیسم به‌عنوان جنبشی نوظهور برای مبارزه با تأثیرات فرهنگی اندیشه پست‌مدرن بر تعاملات اجتماعی، تلاش‌های هنری و فرآیندهای فکری ما (Damico, Philip, 2017)، باید به ترکیب ایده‌های اخلاقی پست‌مدرنیستی،

مدرنیستی، و پیشامدرن (رمانتیسم، روشنگری) پردازد و درعین حال، تمدن و فرهنگ ما را به سمت پیشرفت حرکت دهد.

۲. اصل صداقت جدید:

طبق این اصل باید با بیانی صادقانه به عنوان واقعی‌ترین تجلی متامدرنیسم، بدینی و کنایه‌ی پست‌مدرن به چالش کشیده‌شود تا بر صداقت به عنوان نشانه‌ای برای بازگشت به جنبش‌ها و روندهایی مانند رمانتیسیسم تاکید شود (Damico, Philip, 2017). این امر به وسیله ترکیب کنایه و صداقت به منظور تشکیل طنزی شامل صداقتی جدید و متفاوت از پست‌مدرنیسم، محقق می‌شود. پس از نگرش کنایه‌آمیز پست‌مدرنیسم که به نهیلیسم انجامید، اکنون متامدرنیسم برای ساختن معنا و حقیقت تلاش می‌کند.

متامدرنیسم به اخلاقی غیر از اخلاق طعنه‌آمیز فکر می‌کند. بنابراین اگرچه می‌داند همه چیز مبهم و پیچیده است اما با تکیه بر این صداقت جدید به تلاش خود ادامه می‌دهد. به عبارتی این اصل، اخلاق بعد از پست‌مدرنیسم را توصیف می‌کند. به این معنی که متامدرنیسم می‌خواهد با وجود تأثیرات پست‌مدرن بر هنر، تفکر و اخلاق به صداقت و امید برای پیشرفت و گشایش در مشکلات بازگردد.

۳. اصل اصالت:

طبق این اصل باید ریشه‌ها و بنیاد هستی به گونه‌ای تعریف شود که نفس‌های متلاشی شده‌ی دوران پست‌مدرنیسم در قالب‌های معنایی جدید به ساختاری واحد تبدیل شوند. در واقع، متامدرنیسم در پی حد وسط مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بودن نیست، بلکه به دنبال اصالتی مخصوص به خود است که سعی می‌کند آن را از طریق بازنگری سنت‌ها و برقراری گفتگویی مداوم با پارادایم‌های فکری قدیمی‌تر محقق سازد. بنابراین، عملکرد متامدرنیسم، خشتی‌سازی ردمدرنیستی سنت‌ها، و فروپاشی طعنه‌آمیز پست‌مدرن است (Dumitrescu, 2016).

۴. اصل محبت و مراقبت:

طبق این اصل، برای به چالش کشیدن شرایط اجتماعی باید به واسطه‌ی ایجاد اخلاق محبت و مراقبت از مرزهای طبقاتی عبور کرد (Dumitrescu, 2016). در واقع، این اخلاق در متامدرنیسم، با بازگشت به محبت‌های ساده‌ای همچون همدلی و

مراقبت محقق می‌شود. در اخلاق متامدرنیستی، محبت و مراقبت در نقش از بین برنده‌ی تفاوت‌ها و فاصله‌ها ظاهر می‌شود تا از این طریق، بتوان جامعه متکثر و فروپاشیده‌ی پست‌مدرنیسم را با وجود همه مشخصات آن، به یک کل واحد تبدیل کرد. به همین دلیل در جامعه اخلاقی متامدرن، همه‌ی اقشار جامعه در همه طبقات با یک دیگر از طریق اصل محبت و مراقبت مرتبط می‌شوند تا به واسطه‌ی اخلاق محبت و مراقبت از مشکلات کاسته شود. چراکه وجود اجتماعی با مشکلات اخلاقی کمتر، باعث برخورداری از زندگی بهتر برای تک‌تک افراد می‌شود. بنابراین، اصل محبت و مراقبت یک وظیفه است که همه افراد از آن سود می‌برند و نمی‌توان آن را یک دلسوزی از روی ترحم و یا یک کمک ایثارگرانه در نظر گرفت. این اصل دارای عملکردی دو جانبه است و در آن محبت‌کننده و محبت‌گیرنده، ارزش یکسانی دارند چرا که هر دو برای وجود یک جامعه اخلاقی بهتر عمل می‌کنند.

۵. اصل فروپاشی فاصله‌ها:

طبق این اصل، متامدرنیسم با دنبال کردن فروپاشی فاصله‌ها، به ویژه فاصله‌ی بین چیزهای به نظر متضاد، به بازسازی حسی از تمامیت می‌پردازد که به ما امکان می‌دهد از محیط اطراف خود فراتر رفته و با هدف ایجاد تغییرات مثبت در جوامع و جهان به سمت پیشرفت حرکت کنیم (Seth Abramson, 2015).

۶. اصل معیارهای سنجش:

طبق این اصل به‌عنوان یکی دیگر از جنبه‌های اساسی اخلاق متامدرن، باید از طریق بازسازی سلسله‌مراتب اخلاقی به معیارهایی برای تعیین اعتبار اخلاقی دست پیدا کرد. چرا که بسیاری از نسبی‌گرایان اخلاقی (پست‌مدرنیست‌ها) که به ساختارشکنی سلسله‌مراتب به‌عنوان ملاک سنجش اعتبار اخلاقی می‌پردازند، قادر به تعیین ارجحیت عشق بر نفرت یا صلح بر تعارض نیستند. درحالی‌که، معیارهای سلسله‌مراتب اخلاقی، متامدرنیست‌ها را قادر می‌کند بر مشکلات ایجاد شده، از چشم انداز اخلاقی یکنواخت پست‌مدرنیسم غلبه کنند (Damico, Philip, 2017).

۷. اصل فرایند "گویی":

طبق این اصل، برای ایجاد احساس توانمندی، جهت پیشرفت در داشتن جهانی بهتر با وجود طبیعت آشفته پست‌مدرن، با تکیه بر ایده‌آلیسم منفی کانت (Vermeulen,

(van den Akker, 2010:5)، با یک دلخوشی احتمالی فرض می‌شود که بشر می‌تواند برای پیشرفت در امر اخلاق و انمودکند که به سمت اهدافی طبیعی اما ناشناخته حرکت می‌کند. وجود این روحیه، باعث خارج شدن بشریت از انزوای اخلاقی پست‌مدرن می‌شود.

۸ اصل روایت‌های بزرگ:

طبق این اصل بشر برای غلبه بر فرابحران‌های به وجود آمده در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی، نیازمند استفاده از روایت‌های بزرگی است که توسط پست‌مدرن تخریب شده است. اما با این تفاوت که این روایت‌های بزرگ، جزمی و ثابت نیستند، بلکه به تناسب باید مورد تجدید نظر قرار گیرند تا خود، مانعی در برابر پیشرفت و جریان‌های اخلاقی محسوب نشوند (Seth Abramson, 2015).

- روش‌ها

متمادریسم خانواده‌ای از روش‌های اخلاقی سنت، مدرن و پست‌مدرن را تشکیل می‌دهد تا بتواند در موقعیت‌های اخلاقی متفاوت از طریق نوسان بین آنها به موضع اخلاقی متناسب دست پیدا کند. همچنین، متمادریسم برای نوسان بین این مواضع اخلاقی سه‌گانه از سه روش نوسانی استفاده می‌کند

۱. استفاده از روش تلفیق و ترکیب

طبق این روش با اقتباس از نظر دومیترسکو (۲۰۱۶) قابل بیان است که نوسان متمادرن برای دستیابی به یک روش اخلاقی مناسب می‌تواند به ترکیب و تلفیق روش‌های اخلاقی سنت، مدرن و پست‌مدرن بپردازد. به عنوان مثال، در این روش می‌توان ساختار مدرنیستی داستان‌های اخلاقی را با مفاهیمی جدید، برای شکل دادن به زندگی و هویت فردی، ایجاد ارتباط با افراد دیگر و همچنین قرار دادن خود به عنوان بخشی از جهان به‌کارگرفت. همچنین، روایت‌های مدرنیستی را می‌توان در قالبی جدید به عنوان شیوه‌ای برای تولید اطلاعات و درک خودآگاهی فرد از جایگاه خود در جهان به‌کاربرد.

۲. استفاده از روش هر دو - هیچکدام

طبق این روش، اخلاق در متمادریسم به وسیله‌ی نوسان می‌تواند هم دارای روش‌های اخلاقی مدرن باشد و هم دارای روش‌های اخلاقی پست‌مدرن باشد و

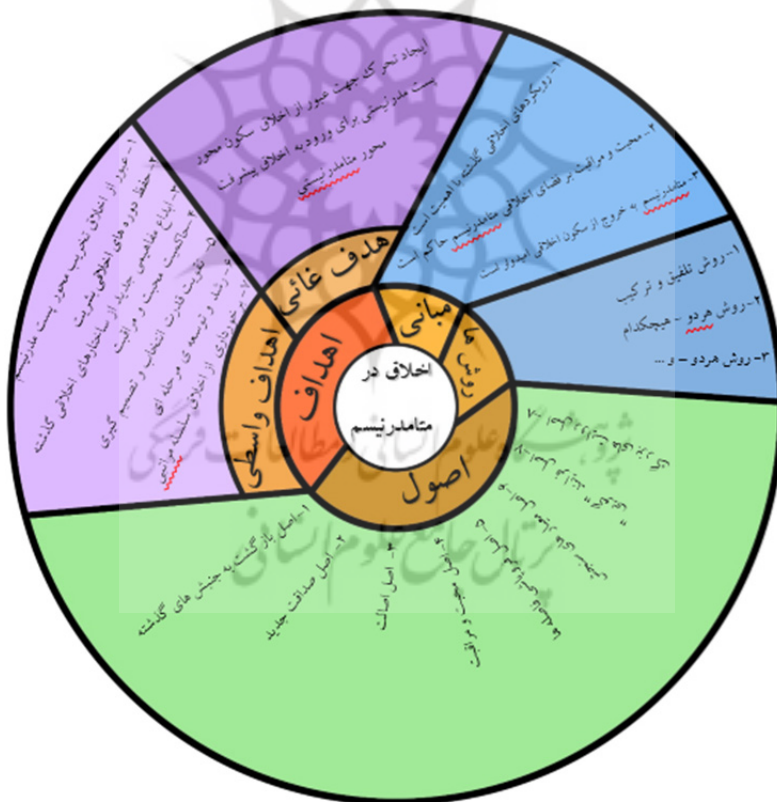
ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌های اخلاقی ... (مصطفی زبان‌دان و دیگران) ۲۳

همچنین ممکن است هیچ روشی از اخلاق مدرن و پست مدرن نداشته باشد (Vermeulen, van den Akker, 2010).

۳. استفاده از روش هر دو - و ...

طبق این روش، نوسان تمام‌مدرن تنها شامل انتخاب بهترین روش‌ها از بین مدرن و پست مدرن یا ایجاد سازش بین آن‌ها نیست بلکه با این روش می‌توان از تزاها و آنتی تزاها به سنتزهای به ظاهر متضاد و جدید دست پیدا کرد (Seth Abramson, 2016).

اکنون که به واسطه تبیین اخلاق در تمام‌درنیسم و با استفاده از شیوه‌ای عقلانی در استنتاج اهداف، اصول و روش‌ها، عناصر اخلاقی تمام‌درنیسم آشکار گشت می‌توان به ترسیم نمای اخلاقی تمام‌درنیسم پرداخت.



۴. نتیجه‌گیری

از آنجا که متامدرنیسم در تفکر اندیشمندان متامدرنیست تفسیرهای مختلفی پیدا کرده است، گمان بر این است که ساختار اخلاقی حاصل از این تفاسیر مختلف و متنوع خواهد بود. همچنین با بررسی آراء و افکار این اندیشمندان در حیطه اخلاق، به قول هانزی فریناخست به نظر می‌رسد که متامدرنیسم واقعا اخلاق جدیدی را به حیطه‌ی اخلاقی پست‌مدرن اضافه نمی‌کند و تنها می‌تواند برخی از نظریه‌های اخلاقی پست‌مدرن را بازنویسی کند. وگرنه مصادیق اخلاقی متامدرنیسم همچون متوقف کردن تغییرات آب و هوایی، اطمینان از توزیع برابر منابع در جهان، معنادار ساختن زندگی مردم، اطمینان از توجه به ویژگی‌های درونی هر فرد و درک تفاوت‌های فردی، اعتقاد به شکوفایی و رشد خود و دیگران و متوقف کردن آزار و اذیت حیوانات، همگی در دایره‌ی ارزشی پست‌مدرنیسم وجود دارند (Hanzi Freinach, 2020). اگرچه استدلال هانزی فریناخست قابل توجه است اما در متامدرنیسم تنها سخن از ارزش‌های جدید نیست بلکه اخلاق در متامدرنیسم شکلی متفاوت از ساختار اخلاقی ارائه می‌دهد به گونه‌ای که اگرچه از مصادیق اخلاقی سنت، مدرن و پست‌مدرن استفاده می‌کند ولی از نظر ساختاری شبیه به هیچ‌کدام از این مکاتب نیست. در واقع با قطعاتی تکراری، ساختمانی جدید در شکل و ساختار ارائه می‌دهد که نه از خشکی و قطعیت مدرنیسم در آن خبری هست و نه از بی‌تفاوتی و سکون پست‌مدرن در آن نشانی می‌توان یافت. با این استدلال به واسطه‌ی بررسی نظریات اندیشمندان متامدرنیست و جمع‌آوری نظرات آنها در مورد اخلاق و تبیین این نظریات اخلاقی برای دستیابی به مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها، به استنتاج اخلاق در متامدرنیسم پرداخته شده است. حاصل این پژوهش، ایجاد ساختاری برای اخلاق در متامدرنیسم شد که مقدمات خلق یک رویکرد اخلاقی جدید را فراهم نموده است. نتیجه این پژوهش، نشان می‌دهد که رویکرد اخلاقی متامدرنیسم با دیگر رویکردهای اخلاقی، متفاوت است. در این رویکرد به جای ترکیب، از نوسان استفاده شده است. نتیجه دیگر این پژوهش آماده کردن زمینه، برای ارائه رویکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم می‌باشد. برای دستیابی به این ساختار اخلاقی، از آنجا که تا به حال چند تفسیر متفاوت از متامدرنیسم ارائه شده است، پژوهشگر استناد به یک تفسیر را برای ارائه‌ی مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها کافی ندانست بنابراین با استفاده از کاربرد اصل نوسان در داخل خانواده‌ی متامدرنیسم به تعادلی برای ایجاد ساختار اخلاق در متامدرنیسم دست پیدا کرد. اخلاق در متامدرنیسم از عناصری برخوردار است که باعث می‌شود هم ثبات اخلاقی مکاتب ایده‌آلیسم را داشته باشد و هم از شیوه‌های مکاتب

عملگرا برخوردار باشد. به تمثیل می‌توان گفت که اخلاق در تمام‌دین‌سبم همچون قایقی شناور در آب‌های بین سه جزیره سنت، مدرنیسم و پست‌مدرنیسم است که برای غرق نشدن به انتخاب یکی از این جزایر دست‌می‌زند ولی برای حل مشکلات دیگری که به‌وجود می‌آید در این جزیره باقی نمی‌ماند و در جزایر دیگر هم توقف می‌کند. شناخت و کاربرد این رویکرد اخلاقی در جوامع مختلف با توجه به ویژگی‌های فرهنگی متفاوت می‌تواند بسیار راهگشا و مفید باشد اما باید دانست که تمام‌دین‌سبم همچون اسبی سرکش است که میدان تاخت و تاز خود را از سه ضلع یک مثلث به‌دست می‌آورد. بنابراین هرگاه که جامعه با کاهش تمرکز سیاسی، فروپاشی اقتصادی و تغییرات اقلیمی مواجه شود، میدانی مناسب برای تاخت و تاز تمام‌دین‌سبم و اخلاق تمام‌دین‌سبمی فراهم می‌شود که با سرعتی شگفت‌انگیز همه‌ی عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جامعه را پشت سر می‌گذارد. تعامل و مقابله با سرکشی این اسب تازه‌نفس کاری هوشمندانه و متفکرانه است که برنامه‌ریزان باید برای مهار آن اقدام کنند و از توانمندی آن متناسب با اهداف جامعه استفاده کنند. بنابراین اگرچه ظهور تمام‌دین‌سبم از توصیف ویژگی‌های نوظهوری در آثار هنری نوید داده شده است، اما به سرعت در حال گسترش مبانی نظری متفاوتی است که از توصیف به‌عنوان ویژگی‌های جدید آثار هنری به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و آموزشی ورود کرده‌است. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده به نظر می‌رسد، پرداختن به رویکردهای مختلف تمام‌دین‌سبم امری ضروری است که پژوهشگر این تحقیق به‌این‌وسیله، راهی برای ورود محققان توانمند به این عرصه در کشور گشوده است.

پی‌نوشت

۱. استفاده از پیشوند "متا" در عنوان تمام‌دین‌سبم از "متاکسیر" افلاطون نشأت می‌گیرد که اشاره به توصیف وضعیت درونی انسان است و نوسان و هم‌زمانی را بین قطب‌های مخالف، متضاد و فراتر از آن بیان می‌کند.

کتاب‌نامه

Abramson, Seth. (2015) Available at: https://www.huffpost.com/entry/ten-key-principles-in-met_b_7143202

Ag , Aplloni (2017). The end of the rra of endings: www.eurozine.com/the-end-of-the-era-of-endings/#footnote-1

- Andrew Frederick, Allen , (2018). After postmodernism: Ethical Paradigms in Contemporary. Universitat Munchen
- Andersen, L. R. (2019). Metamodernity: Meaning and hope in a complex world. Denmark: Nordic Bildung.
- Andrew J. Corsa , ' Grand Narratives , Metamodernism , and Global Ethics ' , Cosmos and History 14.3 (2018) 241-272 (267) .
- azarm , mohamad (1398): www.honaronline.ir
- Ceriello, Linda (2018). Metamodern Mysticism: Narrative Encounters with contemporary Western Secular Spiritualities. Rice University
- Camplin, Troy. (2020) Medium. Available at:
<https://medium.com/complexity-liberalism/metamodernism-and-morality-597d8f8a51d9>
(Accessed 27 May 2022)
- Dumitrescu, Alexandra.(2011)."Interconnections in Blakean and Metamodern Space". On Space. Deakin University. Archived from the original on March 23, 2012. Retrieved September 15, 2011.
- Dumitrescu, A. (2016). What is metamodernism and why bother. *Meditations on metamodernism as a period term and as a mode*. *Electronic Book Review*, December, 4.
- Damico, Philip. (2017) Available at: <https://againstoprophil.org/2017/04/24/an-introduction-to-metamodernism/>
- Di Francesco, Emanuele. (2019) Circular Conversations. Available at:
<https://www.circularconversations.com/conversations/metamodern-values-for-a-listening-society?format=amp> (Accessed 19 February 2019)
- de Klerk , Eugene Louis , " Metamodern Strategy: A System Of Multi - Ontological Sense Making " (2022) .
- Eve, Martin Paul (2012). "Thomas Pynchon, David Foster Wallace and the Problems of Metamodernism" (PDF). *Journal of 21st-century Writings*. 1 (1): 7–15. Retrieved 28 July 2014.
- Furlani, Andre (2002). "Postmodern and after: Guy Davenport". *Contemporary Literature*. 43 (4): 713. doi:10.2307/1209039. JSTOR 1209039.
- Furlani, Andre (2007). *Guy Davenport: Postmodernism and After*. Northwestern University Press.
- Fein, E. (2020). Hanzi Freinacht (2017). *The Listening Society. A Metamodern Guide to Politics. Book One*. *Metamoderna ApS. INTEGRAL REVIEW*, 16(2).
- Hutcheon, Linda (2002). *The Politics of Postmodernism*. New York: Routledge. p. 166.
- JordanPeterson (2018): metamodernism and The idw /www.reddit.com
- Kunze, Peter, ed. (2014). *The Films of Wes Anderson: Critical Essays on an Indiewood Icon*. Palgrave Macmillan.

Levin, K. (15 October 2012). "How PoMo Can You Go?". ARTnews. Retrieved 14 July 2014

Le Cunff, A. L. (2022). An introduction to metamodernism: the cultural philosophy of the digital age. *Ness Labs*.

Okediji, Moyo (1999). Harris, Michael (ed.). *Transatlantic Dialogue: Contemporary Art In and Out of Africa*. Ackland Museum, University of North Carolina. pp. 32–51. ISBN 9780295979335. Retrieved July 26, 2014.

Potter, Cher (Spring 2012). "Timotheus Vermeulen talks to Cher Potter". Tank: 215.

Rutt, Jim. (2022) Available at:

<https://jimruttsshow.blubrry.net/the-jim-rutt-show-transcripts/transcript-of-episode-36-hanzi-freinacht-on-metamodernism/#:~:text=Skip%20to%20content,%E2%80%A2%20News%20Room>

sefer, Kalaman.(2018). Media and digital modernism: www.peterlang.com/document/1110448

Storm, J. A. J. (2021). *Metamodernism: The future of theory*. University of Chicago Press

Turner, L. (January 10, 2015). "Metamodernism: A Brief Introduction". Berfrois. Retrieved November 22, 2017.

Vermeulen, Timotheus; van den Akker, Robin (2010). "Notes on metamodernism". *Journal of Aesthetics & Culture*. 2 (1): 5677. doi:10.3402/jac.v2i0.5677. ISSN 2000-4214.

Zaban Dan, M. (2022). Explaining ethics in metamodernism in order to provide a theoretical framework and infer its implications in the goals, principles and methods of moral education, PhD Dissertation, Tehran, Shahed University, [in Persian]

Zavarzadeh, M. (1975). The Apocalyptic Fact and the Eclipse of Fiction in Recent American Prose Narratives. *Journal of American Studies*, 9(1), 69-83. doi:10.1017/S002187580001015X